

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرکز حقایق اسلامی

تحت اشراف حضرت آیت الله سید علی میلانی حفظه الله

<http://www.alhaqaeq.org>

چکیده

عزاداری و سوگواری از اموری است که در میان مردم بعد از داغدار شدن و وارد شدن مصیبت‌ها انجام می‌شود و مقتضای طبیعت هر شخصی است، به هر اندازه که علاقه و محبت بین افراد بالاتر باشد و هرچقدر که شدت مصیبت وارد شده بالا باشد به همان اندازه نوع عزاداری و حزن متفاوت خواهد بود.

وجود مقدس سیدالشهداء علیه السلام که کشتی نجات همه بشریت هستند و به نص صریح روایات «همانا برای حسین بن علی علیهما السلام حرارتی در قلوب مومنان است که هیچ‌گاه سرد نمی‌شود» و از طرفی اوج و شدت مصیبتی که روز عاشورا بر آن حضرت وارد شد که زیارت عاشورا تعبیر دارد: «چه مصیبت بزرگی که هیچ مصیبتی در همه آسمان‌ها و زمین به بزرگی آن وجود ندارد» بنابراین دو نکته بزرگترین عزاداری‌ها درباره این وجود مقدس باز حق را ادا نخواهد کرد و کم خواهد بود.

این نوشتار مختصر تلاش دارد سوالات زیر درباره عزاداری را پاسخ گوید:

پیشینه عزاداری سیدالشهداء علیه السلام به چه دورانی باز می‌گردد؟ دلیل عزاداری بر آن حضرت چیست؟ چرا واقعه عاشورا مورد اهمیت ویژه قرار گرفته است؟ جزع و نوحه‌گری در منظر اهل بیت علیهم السلام چگونه

است؟ عبدالقادر گیلانی و ابن تیمیه چگونه به مقابله با عاشورا پرداختند و چگونه پاسخ داده می‌شود؟

کلیدواژگان: عزاداری، سیدالشهداء علیه السلام، معرفت امام، کسوف خورشید، جاری شدن خون

اهل بیت علیهم السلام و عزاداری

با بررسی تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام و هم چنین مطالعه احادیث و روایات ایشان کاملاً روشن خواهد بود که از مهم ترین اموری که مورد اهتمام دائمی ایشان بوده مساله کربلا و زنده نگه داشتن واقعه عاشورا است.

هر چند که پیشینه عزاداری برای سیدالشهداء علیه السلام به دوران پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله باز می گردد و بنیان گذار مراسم عزاداری، وجود مقدس حضرت رسول صلی الله علیه وآله بودند و این از مسائل قطعی و متواتر بین شیعه و اهل تسنن به شمار می آید.

اما سیره امام زین العابدین علیه السلام نشانگر است که ایشان در هر مرحله ای از زندگانی پر برکشان یاد و نام کربلا و وقایع آن را زنده می نمودند؛ هم چنین است بقیه اهل بیت علیهم السلام که یا با برپائی مراسم عزاداری و یا تشویق شیعیان بر برگزاری مراسمات و گریه کردن و یا بها بخشیدن به اشعار شاعران درباره کربلا و عاشورا؛ تمام تلاش ها صورت گرفته به جهت احیا و زنده نگه داشتن این واقعه عظیم در تاریخ آفرینش.

چرائی عزاداری و دلیل اهمیت واقعه عاشورا

در لسان روایات شیعه هدف از خلقت آفرینش مسأله معرفت و شناخت بیان شده است و مقصود از معرفت هم به صراحت معرفت و شناخت امام زمان علیه السلام معرفی شده همانگونه که در روایتی در کتاب کافی شریف نقل شده، این گونه می خوانیم:

زراره گوید: به امام باقر علیه السلام عرضه می داشتم:

أخبرني عن معرفة الإمام منكم واجبة على جميع الخلق؟

آیا شناخت امام از شما خاندان بر همه مردم لازم است؟

حضرتش فرمود:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ رَسُولًا وَحِجَّةً لِلَّهِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ فِي أَرْضِهِ؛ فَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولَ اللَّهِ وَاتَّبَعَهُ وَصَدَّقَهُ فَإِنَّ مَعْرِفَةَ الْإِمَامِ مِنَّا وَاجِبَةٌ عَلَيْهِ
به راستی که خداوند متعال حضرت محمد صلی الله علیه و آله را برای همه مردم به عنوان پیامبر و حجّت خود در روی زمین و برای تمامی آفریدگانش برانگیخت.

پس، هر که مؤمن به خدا و به محمد رسول الله باشد و از او متابعت کرده و او را تصدیق نماید، معرفت امام از ما اهل بیت نیز بر او واجب است.^۱

در روایت دیگری جابر گوید: از مولایم امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود:

إِنَّمَا يَعْرِفُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَيَعْبُدُهُ مَنْ عَرَفَ اللَّهَ وَعَرَفَ إِمَامَهُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ. وَمَنْ لَا يَعْرِفُ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَلَا يَعْرِفُ الْإِمَامَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ؛ فَإِنَّمَا يَعْرِفُ وَيَعْبُدُ غَيْرَ اللَّهِ

تنها کسی به خدای تعالی شناخت دارد و او را می پرستد که خدا را بشناسد و امامش را از ما خاندان بشناسد. کسی که خدا را نمی شناسد و با امامی از خاندان ما اهل بیت نیز آشنا نیست، در واقع غیر خدا را می شناسد و می پرستد.^۲

با توجه به این روایت روشن است که هرگونه عبادتی که از معرفت امام نشأت نگرفته باشد عبادت خداوند به شمار نمی آید بلکه عبادت غیر خداست.

با در نظر گرفتن این دو روایت که هدف خلقت و وظیفه اساسی بشر را بیان نموده، و از طرف دیگر با توجه به اینکه عزاداری و برپائی مراسمات خود هم سبب است برای بالا رفتن محبت و دوستی و در نتیجه بالا رفتن معرفت و شناخت نسبت به امام علیه السلام و هم نتیجه شناخت و معرفت و تفکر قبلی است؛ با این مقدمات بسیار

^۱ الکافی: ۱/ ۱۸۱- کتاب الحجّة- باب معرفة امام، حدیث ۳

^۲ المعجم الاوسط: ۳/ ۱۲۲- ۲۲۵۱

واضح خواهد بود که عزاداری و برپائی مراسمات و هرگونه فعالیت و عملی که در راستای زنده نگه داشتن و بزرگداشت این مسأله بزرگ باشد از واجبات به شمار آمده و در راستای رسیدن به هدف آفرینش قرار خواهد از جهت دیگر روایتی از زبان مبارک امام محمد باقر علیه السلام بیان نموده که:

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ: هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ وَالْبُغْضُ^۳

آیا دین الهی جز محبت داشتن (به اولیاء الهی) و بغض و کینه داشتن (نسبت به دشمنان الهی) است؟! که در این روایت شریف حضرت بیان نمودند پایه‌های دین خداوند بر دو پایه محبت و برائت استوار است؛ و از آن جا که واقعه عاشورا تقابل دو جبهه حق و باطل، دو جبهه نور و ظلمت، دو جبهه عقل و جهل بوده است که در جانبی تمام دین الهی و وجود نورانی‌ای که دین خداوند قوام از وی گرفته است، وجود مقدسی که کشتی نجات عالمیان در دریای طوفانی و پرتلاطم و ظلمانی دنیا هستند و در جانب دیگر تمام نفاق و کفر و سردمداران ریا و تزویر قرار دارند؛ به راحتی هر عقلی اذعان و اعتراف خواهد داشت که زنده نگه داشتن کربلا و واقعه عاشورا از مصادیق اصلی روایت شریف امام باقر علیه السلام به شمار می‌آید چرا که عزاداری و گریه در ضمن ابراز محبت عملی بیان از سوز دل و محبت قلبی خواهد بود و از طرفی اظهار بغض و کینه نسبت به جبهه مخالف و کفر و نفاق به شمار خواهد آمد.

به طور مختصر بیان شد که دلیل عزاداری و اهمیت واقعه عاشورا دو مطلب است:

نخست اینکه عزاداری و برگزاری مراسمات به هر شکل، انسان را در راستای رسیدن به هدف آفرینش خود که رسیدن به درجات بالایی معرفت و شناخت امام زمان علیه السلام است قرار می‌دهد.

دوم اینکه زنده نگه داشتن واقعه عاشورا که با برپائی عزاداری‌ها و مراسمات صورت می‌پذیرد، ابراز کننده محبت قلبی و عملی به اولیای الهی بالخصوص وجود مقدس سالار شهیدان حضرت اباعبدالله

الحسین علیه السلام خواهد بود، علاوه بر اینکه اظهار کننده بغض و کینه و نفرت و برائت قلبی و عملی نسبت به جبهه کفر و نفاق که ریشه در شجره خبیثه و مکتب سقیفه دارد، به شمار می آید.

انواع عزاداری

درباره اصل گریه کردن بر مصیبت سیدالشهداء علیه السلام به حدی روایت وجود دارد که از شمارش خارج است و در کتاب های شیعه و سنی آمده است.

اما باید گفته شود اقامه عزاداری سیدالشهداء علیه السلام به گریه ختم نمی شود، بلکه انواع دیگری از عزاداری وجود دارد که از جمله آن ها جزع و نوحه گری است.

حال باید بررسی کرد که جزع و نوحه گری چیست و دیدگاه اهل بیت علیهم السلام نسبت به آن چگونه است؟!

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ مَا الْجَزَعُ قَالَ أَشَدُّ الْجَزَعِ الصُّرَاخُ بِالْوَيْلِ وَالْعَوِيلِ وَاللَّظْمِ الْوَجْهِ وَالصَّدْرِ وَجَزُّ الشَّعْرِ مِنَ النَّوَاصِي وَمَنْ أَقَامَ النَّوَاحَةَ فَقَدْ تَرَكَ الصَّبْرَ وَأَخَذَ فِي غَيْرِ طَرِيقِهِ الْحَدِيثُ.^٤

در روایتی آمده است که جابر می گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم جزع چیست؟

حضرت فرمودند: شدیدترین فریادها: واویلا گفتن، زدن به صورت و سینه و کندن مو از سر است.

در روایت معتبر دیگری آمده که حضرتش فرمودند:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ قَالَ: كُلُّ الْجَزَعِ وَالْبُكَاءِ مَكْرُوهٌ سِوَى الْجَزَعِ وَالْبُكَاءِ عَلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ.^٥

هر جزع و نوحه گری و گریستن ناپسند است مگر جزع و گریستن بر شهادت امام حسین علیه

السلام.

حضرت آیت الله سید علی حسینی میلانی دامت برکاته در این زمینه اینگونه نوشته اند:

^٤ وسائل الشیعة؛ ج ٣؛ ص ٢٧١

^٥ وسائل الشیعة؛ ج ٣؛ ص ٢٨٢

از انواع دیگر عزاداری، لطمه زدن به صورت، سینه زدن و واویلا گفتن است که همه این موارد نزد خداوند متعال و در مکتب اهل بیت علیهم السلام امری پسندیده به شمار می رود و همه این ها باید برگزار شود.

البته بایستی در محدوده شرع باشند که مراجع تقلید حدود شرعی آن ها را همانند حدود دیگر امور، تعیین می کنند و ما نیز باید مطیع آنان باشیم.

از انواع دیگر سوگواری، نوحه سرائی، پیراهن چاک کردن، لباس مشکی پوشیدن و در این راستا طعام دادن، تعطیل کردن بازارها، مغازه ها، مدارس و درس هاست. همه این موارد مدرک دارد، حتی در مواردی از منابع اهل سنت، مدرک معتبر وجود دارد.^۶

عزاداری کائنات و تمام مخلوقین بر سیدالشهداء علیه السلام

بعد از واقعه بزرگ و مصیبت بسیار شدید روز عاشورا تمام مخلوقین در آفرینش خداوند، تحت تاثیر قرار گرفته و هرکدام به مقتضای وجودی خودشان اعلان عزا و اندوه نمودند که در این جا به ذکر برخی از آن موارد از منابع معتبر اهل سنت پرداخته خواهد شد؛ هرچند که در منابع معتبر شیعه بسیار فراوان است ولی به جهت مقابله با بهانه گیری های مخالفین از منابع آن ها استفاده شده است.

نخست کسوف خورشید است که امّ حکیم می گوید: زمانی که حسین علیه السلام کشته شد، من زن جوانی بودم. در آن روز آسمان مدتی سرخ بود.^۷

ابوقبیل می گوید: زمانی که حسین بن علی علیهما السلام به شهادت رسید، خورشید گرفت و به گونه ای آسمان تاریک شد که ستارگان پدیدار شدند به طوری که گمان کردیم قیامت فرا رسیده است.^۸

^۶ گزیده ناگفته هایی از حقایق عاشورا: ص ۹۴

^۷ مجمع الزوائد: ۹/ ۱۹۶-۱۹۷، المعجم الكبير: ۳/ ۱۱۳، تاریخ مدینه دمشق: ۱۴/ ۲۲۶

^۸ مجمع الزوائد: ۹/ ۱۹۷

ابوبکر هیشمی که از بزرگان اهل سنت است در ذیل این دو روایت می‌گوید این‌ها صحیح‌السند هستند.

دوم از موارد این بود که هر سنگی از زمین برداشته می‌شد از زیر آن خون جاری بود که در این

زمینه، محمد بن شهاب زهری که از دیدگاه اهل سنت فرد بزرگی است می‌گوید:

عبدالملک بن مروان از من پرسید: چه حوادثی در روز قتل حسین پدیدار شد؟

در پاسخ به او گفتم: در بیت المقدس سنگی از روی زمین برداشته نشد، مگر آن که خون تازه از زیر آن

پدیدار می‌شد.

عبدالملک در تأیید زهری پاسخ داد: من هم مثل تو از این قضیه خیر دارم.^۹

در روایت دیگری ابوبکر هیشمی نقل کرده:

آن گاه که حسین علیه السلام کشته شد، شتری از لشکر آن حضرت به سرقت بردند. آن گاه آن حیوان را (ذبح

کردند و) پختند. گوشت آن به خون تبدیل شد.

هیشمی و دیگران درباره سند این روایت می‌گویند: راویان این حدیث راست گو هستند.^{۱۰}

تلاش‌های واهی برای خاموش کردن عاشورا

همانطور که ذکر شد واقعه عاشورا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و هست و زنده نگه داشتن آن نشانه ابراز

مخالفت و نفرت از مخالفین و دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام است، بنابراین جبهه باطل و ظلمت هیچ‌گاه ساکت

نشسته و تمام سعی و تلاش خود را به کار بسته تا این واقعه به فراموشی سپرده شود و نامی از آن باقی نماند همانطور

که تلاش یزید و عمال آن بر همین امر بوده است اما غافل از این که خداوند متعال خود حافظ نور خود خواهد بود

هرچند که کافران و دشمنان کراهت داشته باشند.

از جمله تلاش‌های صورت گرفته:

^۹ مجمع الزوائد: ۱۶۹/۹، المعجم الکبیر: ۱۱۹/۳، المناقب خوارزمی: ۳۸۸

^{۱۰} مجمع الزوائد: ۱۶۹/۹، المعجم الکبیر: ۱۲۱/۳

شیوه عرفان و تصوف که سردمدار آن عبدالقادر گیلانی از علمای بزرگ اهل سنت و صوفیه اینگونه

گفته:

بعضی به اهل سنت اشکال کرده اند که چرا روز عاشورا را روزه می گیرند و چرا این روز را روز شادی و سرور و جشن قرار داده اند؟ می گویند شما اهل سنت چرا افراد را به پوشیدن لباس نو و خوردن غذاهائی که مناسب عید است دعوت می کنید...؟ این کار صحیح نیست؛ چرا که در این روز، حسین بن علی به شهادت رسیده و باید روز مصیبت تمامی مسلمانان باشد.

آن گاه خود به این مطلب چنین پاسخ داده:

اشکال کننده به اشتباه رفته و اعتقادش قبیح و فاسد است؛ زیرا خداوند متعال شهادت را برای سبط پیامبر صلی الله علیه وآله برگزیده است... و روز عاشورا را نباید روز مصیبت و عزا قرار داد؛ چرا که عاشق به معشوق رسیده است. از این رو، این روز باید روز سرور و شادی باشد... و اگر بنا باشد روز عاشورا را روز عزا و ماتم قرار دهیم، بهتر آن است که روز دوشنبه را که پیامبر و ابوبکر از دنیا رفته اند روز عزا و ماتم معرفی کنیم.^{۱۱}

این اشکالی است که متأسفانه برخی از به ظاهر عالمان شیعی هم مرتکب آن شده اند و بسیار ابطال آن روشن است که هم از جهت فطرت منافی فطرت سلیم بشری است چراکه اقتضای فطرت انسان این است که اگر عزیزی را از دست دهد طبعا اندوهگین خواهد شد و میل به شادی درونش از بین خواهد رفت! حال آیا این افراد اگر عزیزان خودشان را از دست دهند هرچند که بدانند جایگاه خوبی در نزد پروردگار داشته باشند، آیا به شادی و خوشحالی می پردازند؟؟!

و از جهت دیگر اینکه چگونه در مقابل نصوص صریح و روشن روایات اهل بیت علیهم السلام دست به اظهار فضل از خود نمودند و حال اینکه اهل بیت علیهم السلام به کرات امر فرمودند بر اقامه عزاداری و

^{۱۱} غنیة الطالبین: ۶۸۴ - ۶۸۷؛ به نقل از نجات الازهار: ۴ / ۲۴۵

برپائی مراسمات و روایات متعددی دلالت بر فضیلت گریه و اشک بر سیدالشهداء علیه السلام وجود دارد که از طریق شیعه و اهل تسنن نقل شده است.

مخفی نمودن احوالات سیدالشهداء علیه السلام

از دیگر روش‌هایی که برای خاموشی عاشورا استفاده شده، منتشر نکردن احوالات اهل بیت علیهم السلام و حذف آن‌ها از کتب است.

به طور مثال: کتاب الطبقات الکبری ابن سعد از کتب معتر اهل سنت به چاپ رسیده است، ولی از چاپ احوالات سیدالشهداء علیه السلام و داستان کربلا خودداری کرده‌اند؛ به شکلی که گویی هرگز در کتاب طبقات، چنین مطالبی پیرامون حضرت سیدالشهداء علیه السلام نوشته نشده است!

حال آنکه یکی از محققان، نسخه خطی آن را به دست آورده و احوالات سیدالشهداء علیه السلام را در جلدی جداگانه با نام ترجمه الامام الحسین من تاریخ ابن سعد به چاپ رسانیده است.

جعل احادیث درباره یزید

از جمله تلاش‌های دیگری که کورکورانه به جهت تضعیف واقعه عاشورا و بازگرداندن آبروی رفته یزید صورت گرفته، ساختن احادیث و جعل فضائلی درباره یزید است؛ مانند آنکه در داستان فتح قسطنطنیه که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نوید داده بودند به دست لشکریانی از نیکان و خوبان صورت خواهد گرفت، حدیث جعل کردند که پیامبر خدا فرمود: فرمانده آن لشکر یزید است.^{۱۲}

حتی بسیار عجیب که حدیثی را جعل کردند مبنی بر اینکه امام حسین علیه السلام در زمره یاران یزید و در لشکر وی بوده است! همانطور که در تاریخ مدینه دمشق نقل شده: زیر پرچم یزید و در لشکر او، حسین بن علی نیز بوده است.^{۱۳}

^{۱۲} منهاج السنّه: ۴ / ۵۷۱ - ۵۷۲

^{۱۳} تاریخ مدینه دمشق: ۱۴ / ۱۱۱، الوافی بالوفیات: ۱۲ / ۲۶۲

که این حدیث با تمامی نقل‌های تاریخی و حدیثی اهل سنت مخالفت دارد و بر هر منصف و اهل
اطلاعی بطلانش روشن خواهد بود.

اما نکته پایانی و حائز اهمیت این است که دلیل این همه مخالفت و تلاش برای مقابله با عاشورا که
فقط بخشی از آن را به طور مختصر ذکر کردیم، به جهت این است که اگر عاشورا زنده باشد همواره حق زنده
است و جبهه باطل رسوا و سرافکننده و اگر عاشورا زنده باشد یزید و معاویه مورد اتهام خواهند بود نسبت به
جنایات بزرگی انجام دادند که در طول تاریخ نظیر نداشته است و زمانی که معاویه متهم باشد به دنبال دارد
اتهام افرادی که او را بر سر کار آوردند و در نتیجه اصل و ریشه و مبنای مخالفین مورد اتهام و خدشه خواهد
بود؛ از این جهت است که باید عاشورا خاموش باشد اما باید گفت که:

يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ^{۱۴}

آنان می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند؛ ولی خدا نور خود را کامل می کند هر چند

کافران خوش نداشته باشند!

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی
۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة
۴. علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار
۵. هيثمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد
۶. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الكبير
۷. شافعی دمشقی، ابوالقاسم علی بن حسن بن هبه الله، تاریخ مدينة دمشق
۸. صلاح الدین صفدی، الوافی بالوفیات
۹. ابن تیمیہ، احمد بن عبدالحلیم حرانی، منهاج السنّه
۱۰. حسینی میلانی، سید علی، نفحات الازهار
۱۱. حسینی میلانی، سید علی، گزیده ناگفته های از حقایق عاشورا